



نقد و بررسی کتاب

روسیه و اروپا: برنامه امنیتی در حال پیدایش

Russia and Europe: The Emerging Security Agenda

Vladimir Baranovsky, ed. *Russia and Europe: The Emerging Security Agenda*. Oxford: Oxford University Press, for the Sipri, 1997.

کتاب فوق‌مشکل از مجموعه‌ای از مقالات درباره روابط متقابل روسیه و اروپا در وضعیت در حال دگرگونی پس از جنگ سرد است. گردآورنده آن ولادیمیر بارونوسکی اهل روسیه و مسئول پروژه مسائل امنیت روسیه در مؤسسه مطالعات بین‌المللی صلح استکهلم (سوئد) است. علاوه بر بارونوسکی، یازده پژوهشگر روسی و چهارده اندیشمند غربی دیگر از آلمان، آمریکا، انگلستان، اوکراین، لهستان، سوئد، فرانسه و هلند دیدگاهها و نظریه‌های خود را در خصوص نقش روسیه در اروپا، روابط اقتصادی، سیاسی و امنیتی اروپا و روسیه ارائه کرده‌اند.

در مقدمه بیان شده که دگرگونی نظام بین‌الملل برقرار شده پس از جنگ جهانی دوم در اروپا و اگرایی اتحاد جماهیر شوروی تحولات عظیمی را در ژئوپلیتیک اوراسیا به‌ارمغان آورد. این امر به ناچار مسئله روابط روسیه با اروپا را حداقل از سه راه در مسیر کاملاً جدیدی قرار داده است.

نخست اینکه روسیه امروزی ترکیب عجیبی از تداوم و انقطاع را در مقایسه با اتحاد جماهیر شوروی و امپراتوری تزاری پیش از ۱۹۱۷ به نمایش می‌گذارد. به‌طور حتم بسیاری از میراث‌های این دو را به ارث برده، و فعالیت‌هایشان در صحنه بین‌المللی پیشینه تاریخی بدون شک محکمی را دارا می‌باشد. اما روسیه هرگز در چنین ترکیب سرزمینی و در درون چنین محیط ژئوپلیتیکی امروزی وجود نداشته است. این امر سردرگمی قابل ملاحظه‌ای را در رابطه با هویتش در عرضه بین‌المللی، و در نتیجه تردید و دشواری پیشگویی سیاست‌های امنیتی و خارجیش را ایجاد کرده است.

دوم اینکه روسیه امروزی بتدریج در حال رها شدن از وسوسه‌ها، سوءظن‌ها و ترس‌های قدیمی خود نسبت به غرب است، و بنابر این به‌نظر می‌آید که راه برای الگوی پان-اروپایی که بتواند روسیه را در بین بازیگران بین‌المللی فعال در قاره اروپا بگنجانند، هموار خواهد شد. با این وجود، اگرچه سقوط رژیم قدیمی، روسیه را از لحاظ ایدئولوژیک به اروپا نزدیکتر کرده است، ضرورتاً این دو را با یکدیگر

سازگارتر ساخته است. از آنجایی که روسیه وانمود می‌کند که به عنوان عضو «عادی» جامعه بین‌المللی فعالیت دارد، کیفیت عواملی (مانند دموکراسی، حقوق بشر و اقتصاد بازار و غیره) مشارکتش را در جمع کشورهای «متمدن» میسر می‌سازد به آزمایشی حیاتی تبدیل شده است. آشکار است که روسیه دچار دشواری‌های جدی در گذراندن این آزمایش شده است، و در نتیجه روسیه شانس بیشتری خواهد داشت تا با اروپا به عنوان یک «بیگانه» تا یک «خودی» رابطه متقابل برقرار کند.

سوم اینکه با پایان تقسیم‌بندی دوقطبی اروپا، روسیه خود را در موقعیتی می‌یابد که به حاشیه توسعه سیاسی اروپایی سوق داده شده است. آنچه که در گذشته در همسایگر کشوری بود که نصف اروپا را تحت نظارت خود داشت، اکنون از روسیه به وسیله دو کمر بند سرزمینی متشکل از کشورهای سوسیالیستی قبلی و جمهوری‌های غربی پیشین اتحاد جماهیر شوروی مجزا شده است. به دلیل تبدیل شدن به دورترین قلمروی اروپا، روسیه برخی از راه‌حلهایی که در دسترس اتحاد جماهیر شوروی بود در اختیار ندارد، و توانائیش برای تأثیرگذاری بر تحولات اروپا به طور چشمگیری کاهش یافته است. آیا این بدان معنی است که قاطعیت نسبت به سرزمینهای «از دست رفته» ممکن است اهمیت روسیه را در اروپا بیشتر کند؟ (ص ۴)

نویسندگان بر این باورند که دخالت روسیه در اروپا باید از دیدگاه نقش این کشور در ترتیبات امنیتی پان-اروپایی بررسی شود. این امر مستلزم آشکارسازی نسبت به نهادهای چندجانبه امنیتی مربوط به سیاستگزاری فعال در اروپا (یعنی ناتو، شورای همکاری آتلانتیک شمالی، سازمان امنیت و همکاری در اروپا، اتحادیه اروپا، و اتحادیه اروپای غربی) است. به دلیل اختلاف عقاید و بیانیه‌های سیاسی تحلیلگران پژوهشی روسیه و مأموران دولتی، انجام این کار بسیار دشوار بوده است. روی دیگر این مشکل با جستجوی این نهادها برای نقشهای جدید و کارکردهای ویژه در جهان پس از جنگ سرد (که فرآیند پُرفرازونشینی است) مرتبط است. به طور کلی، مشکل مربوط به شناسایی ابزار و نوع روابط متقابل امنیتی دوجانبه و چندجانبه در اروپا می‌باشد. به طور خلاصه، پرسشهای مهم عبارت‌اند از:

■ چگونه توازن نیروها در اروپا را که در حال پدیدار شدن است، بدون متوسل شدن به سیاستهای سنتی قدرت‌طلبی در صحنه بین‌المللی می‌توان حفظ کرد؟

■ چگونه مانع از ضدیت با روسیه شد بدون اینکه به این کشور حق و تو در مورد انتخابهای امنیتی سایر کشورهای سوسیالیستی پیشین داد؟

■ چگونه روندهای مایل به مرکز درونی و منافع مشروع روسیه در فضای ژئوپلیتیک پس از شوروی را رعایت کرد بدون اینکه تبدیل شدنش به «منطقه‌ای بسته» تحت نظارت روسیه پذیرفته شود؟

■ چگونه اعتبار نهادهای موجود را بدون حذف راه‌حل آتی توسعه ساختارهای نهادی جدید حفظ کرد؟ (ص ۱۴)

هریک از فصول کتاب به مسئله‌ای خاص اختصاص داده شده است. به طور نمونه، در فصل دوم به بررسی ترکیب چندملیتی و چندقومی روسیه با واحدهای قومی و قلمروهایی با جمعیت مختلط

(مانند تاتارستان، باشخورستان، کالمیکا و قفقاز شمالی) پرداخته می‌شود. نویسندگان ادعا می‌کنند که تلاش چنین برای جدایی طلبی و جنگ ۹۶-۱۹۹۴ چنین به واقعیت درگیری‌های نهفته بر سر معنای استقلال و وضعیت حقوقی آنچه که قانون اساسی ۱۹۹۳ روسیه «توابع فدراسیون» می‌خواند، اشاره می‌کند. (ص ۲۱) قلمروی فدراسیون روسیه امروز با قلمروی جمهوری روسی سوسیالیست فدراتیو شوروی مطابقت دارد. این قلمرو کمتر از سرزمینهای اصلی متعلق به روسیه تاریخی است که با کشورگشایی‌هایی از اواسط قرن شانزدهم (در جنوب و شرق) تا نیمه آخری قرن نوزدهم (در آسیای مرکزی) گسترش یافت، اما اکنون در سمت غرب به دلیل از دست‌دادگی بیلوروس و اوکراین از زمان فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱ کاهش یافته است. یکی از پرسشهای عمده فصل این است که مفهوم «ملی» در منافع ملی، امنیت ملی و دفاع ملی فدراسیون روسیه چیست؟ آیا روسی یا چندملیتی یا شاید چیزی بین این دو می‌باشد؟ در نقشه روسیه و توابع فدراسیون (ص ۷۳) نشان داده می‌شود که بنابر قانون اساسی ۱۹۹۳ روسیه، این فدراسیون از ۸۹ «تابع» که ۳۲ قلمروی قومی - ملی و ۵۷ موجودیت اداری در بین آنها مشاهده می‌شود، متشکل شده است. بر طبق سرشماری ۱۹۸۹، کل جمعیت فدراسیون روسیه ۵۳۷،۴۰۰،۱۴۷ نفر بوده که ۸۲ درصد از آنان روسی، ۴ درصد تاتاری، ۳/۵ درصد اوکراینی، ۱ درصد چخوواش^۱، ۱ درصد بیلوروسی، ۱ درصد باشکیر^۲، و ۵ درصد متعلق به سایر گروهها بودند. در ۱۷۱۹ روسها ۷۱ درصد و در ۱۹۱۷ و ۱۹۸۹ به ترتیب ۲۵ درصد و ۵۱ درصد از کل جمعیت شوروی را تشکیل می‌دادند. در ۱۹۹۶، حدود ۸۲ درصد از کل جمعیت روسیه متعلق به گروه روسی بودند.

در بخش دیگری از کتاب، تفکر سیاست خارجی در حال تحول روسیه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. سه گروه عمده اصلاح‌طلبان، مرتجعان و میانه‌روها به‌عنوان بازیگران و اندیشمندان سیاست خارجی روسیه پیش از این در غرب شناسایی شده بودند، اما این طبقه‌بندی اکنون کافی نیست. نویسندگان فصل هفتم ادعا می‌کنند که دستکم چهار گروه اصلی در دو سال اول بلافاصله پس از انقراض شوروی در دسامبر ۱۹۹۱ تلاش می‌کردند تا سیاست خارجی روسیه را تحت تأثیر خود قرار دهند. جهت تحلیل مواضع سیاست خارجی این گروهها، وی نظر آنان را نسبت به دو گروه عمده از مسائل (یکی مربوط به روابط روسیه با جمهوری‌های شوروی سابق یا «خارج نزدیک» و دیگری در مورد روابط با قدرتهای مهم خارجی یا «خارج دور») مقایسه می‌کند. نویسندگان نتیجه می‌گیرند که سیاست خارجی روسیه از موضع اولیه طرفدار غرب بودن به موضعی محافظه‌کارانه‌تر تغییر پیدا کرده است. مسائل بسیاری (از قبیل صادرات اسلحه و تکنولوژی هسته‌ای، حل و فصل درگیری‌های منطقه‌ای، عملیات پاسداری از صلح در جهان، رعایت قراردادهای کنترل تسلیحات) مورد مباحثه و اختلاف بین روسیه و غرب خواهند بود. عناوین ۱۳ بخش و ۲۵ فصل این کتاب ۵۸۲ صفحه‌ای عبارت‌اند از:

1. Chuvash

2. Bashkir

● بخش اول: زمینه امنیتی

- فصل ۱ - مقدمه (رابطه پُردوام، موارد جدید مورد بحث، امنیت نظامی، هویت روسیه پس از شوروی، وابستگی اروپایی روسیه، در جستجوی نقشی در اروپا).
- فصل ۲ - پیشینه تاریخی مفاهیم و پیش‌نیازهای امنیتی روسیه (درس‌هایی از تاریخ روسیه، امنیت پُردوام: الگوهای فکری، فضای امنیتی بسط داده شده، مشکل هم‌پیمانان).
- فصل ۳ - «معمای روسیه» (روسیه و مشکل امنیت اروپایی، وضعیت داخلی: روند نظامی و سایر عوامل عمیق ساختاری، وضعیت بین‌المللی: نظام، نظم و انتخاب، راه‌چاره‌های روسیه، راه‌چاره‌های اروپا).

● بخش دوم: تحولات سیاسی داخلی؛ پیامدهای امنیتی

- فصل ۴ - تغییرات سیاست‌های روسیه (اصلاحات روسی: شوک بدون علاج، رژیم در بحران، کشیده شدن در جهت اقتدارگرایی، موج دوم اصلاحات).
- فصل ۵ - به سوی هویت فراسوی امپریالیسم (پایان نقشه بزرگ، در جستجوی هویتی ملی، محدودیتهای جامعه فرضی).
- فصل ۶ - پیدایش روسیه به‌عنوان کشور در زمینه امنیت ملی (نظام سیاسی روبه پیدایش، ثبات منطقه‌ای در فدراسیون روسیه، چشم‌اندازهای ثبات و نقاط تهدیدکننده، ملاحظات کلی).

● بخش سوم: بحث بر سر منافع ملی روسیه

- فصل ۷ - تفکر در حال تحول سیاست خارجی روسیه (گروه‌های اصلی نخبگان سیاست خارجی، بی‌نظمی طفولیت سیاست خارجی ۹۳-۱۹۹۲، اتحاد مجدد گروه‌های داخلی سیاست خارجی، امور خارجی روسیه در «خارج نزدیک»، «خارج دور» و منافع جهانی روسیه).

● بخش چهارم: جنبه‌های نظامی

- (نقشه نواحی نظامی و پایگاه‌های دریایی روسیه)
- فصل ۸ - نیروهای نظامی روسیه؛ ساختارها، نقشها و سیاستها (فشارهای اقتصادی - اجتماعی و سیاسی، اصلاحات نظامی: جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی، استقرار مجدد نیروهای روسی، بحث بر سر نقش و مأموریت نیروهای نظامی، نهاد و ساختار نظامی روسی، زمینه جدید کنترل تسلیحات و انتقال اسلحه).
- فصل ۹ - نقش در حال دگرگونی عوامل نظامی (سیاسی کردن تشکیلات نظامی، دکترین نظامی جدید و اصلاح نیروهای مسلح، استراتژی اتمی جدید روسیه و کنترل تسلیحات، امکان ترتیبات دفاع همگانی در فضای پس از شوروی).

● بخش پنجم: میراث منازعه‌ها در دوران پس از شوروی

(نقشه: شوروی سابق و کشورهای جانشین آن و گاه‌شمار فعالیت‌های حافظ صلح)

فصل ۱۰ - منازعه‌ها در کشورهای مشترک‌المنافع و پیامدهای آنها برای اروپا (ریشه‌های درگیری، فضای ژئوپلتیک پس از شوروی، رهیافتهای حل و فصل منازعه‌ها و درگیری‌های پس از شوروی).
فصل ۱۱ - منازعات پس از شوروی؛ نگرانی‌های امنیتی جدید (اختلافها در فضای پس از شوروی: در کجا، چرا و چه وقت؟ پاسخ روسیه، چالش امنیتی برای اروپا).

● بخش ششم: مثلث اسلاو؛ چالشها و فرصتها

(نقشه: روسیه، بیلوروس و اوکراین)

فصل ۱۲ - مثلث اسلاو شرقی (نمایانی کشورهای اسلاو جدید، روسیه در سیاستهای خارجی بیلوروس و اوکراین، مشکلات امنیتی و دیدگاههای استراتژیک).
فصل ۱۳ - روسیه و مناطق نزدیک اسلاو (اوکراین، بیلوروس، انتخاباتهای روسیه).

● بخش هفتم: معمای بالتیک و روابط با اروپای شمالی

(نقشه روسیه، اسکاندیناوی و کشورهای بالتیک)

فصل ۱۴ - سیاست روسیه در اروپای شمالی (استراتژی‌های امنیت ملی و گفتگوی روسیه، مشکلات جدید در شمال غربی، نقش بین‌المللی روسیه، نقش دفاع نظامی، استراتژی تغییر یافته در اروپای شمالی؟)
فصل ۱۵ - در جستجوی استراتژی جدیدی در منطقه بالتیک و شمال اروپا (منطقه از دید منافع ملی روسیه، مسائل نظامی، اقلیتهای ملی، مسائل قلمرویی).

● بخش هشتم: روسیه و اروپای شرقی - مرکزی پس از پیمان ورشو

(نقشه روسیه و اروپای مرکزی - شرقی)

فصل ۱۶ - روسیه و اروپای مرکزی - شرقی، راه چاره‌های استراتژیک (میراث گذشته در جستجوی هویت، انتخاباتهای استراتژیک، آینده‌ای نامعلوم).
فصل ۱۷ - (امنیت روسیه و اروپای مرکزی - شرقی (پایان نظام یالتا، بیگانگی متحدین پیشین، چرخش به سوی غرب، وابستگی متقابل باقی مانده، مثلث جدید. تی.سی.تی - ناتو - روسیه).

● بخش نهم: ارتباط با بالکان

(نقشه روسیه و بالکان)

فصل ۱۸ - روسیه و بالکان؛ موضوعات قدیمی و چالشهای جدید (منافع روسیه از دیدی

تاریخی، مسکو و درگیری یوگسلاوی، صحنه گسترده تر بالکان، روسیه و ترکیه: ژئوپلتیک جدید، چشم انداز آینده).

فصل ۱۹ - آزمون بالکان برای روسیه (چالشهای جدید برای روسیه، نمونه یوگسلاوی، سیاست روسیه، پیامدهایی برای غرب و روسیه).

● بخش دهم: چالشهایی از جنوب

(نقشه روسیه و قفقاز در زمینه جغرافیای سیاسی، خلاصه درگیریهای مسلحانه اصلی در قفقاز)
فصل ۲۰ - روسیه در قفقاز؛ منافع، تهدیدها و راه‌چاره‌های سیاسی (مسئله امنیت قفقاز، روسیه در قفقاز: منابع و تهدیدها، چه باید کرد؟ راه‌چاره‌های روسیه).

● بخش یازدهم: عوامل اقتصادی؛ پیامدهایی برای روابط با اروپا

فصل ۲۱ - روسیه و اقتصاد سیاسی دوره انتقال (اقتصاد روسیه: از عهده چاره‌ناپذیرها برآمدن، سازماندهی مجدد همکاری اقتصادی منطقه‌ای: از عهده نامطلوبها برآمدن، یافتن جایگاه مناسبی در جهان: از عهده انتظارات بزرگ برآمدن، تأثیر بر روابط روسیه با اروپا).
فصل ۲۲ - تحول اقتصادی در روسیه و شراکت سیاسی با اروپا (اصلاحات اقتصادی در روسیه و روابطش با غرب، روسیه و اتحادیه اروپا، روسیه و کشورهای سوسیالیست پیشین، ابعاد اروپایی همگرایی سی.آی.اس)

● بخش دوازدهم: نظم بین‌المللی در حال پیدایش در اروپا؛ چه جایگاهی برای روسیه؟

(روابط روسیه با نهادهای چندجانبه اصلی در اروپا، روسیه در معماری نهادی اروپایی)
فصل ۲۳ - تعریف مجدد نقش روسیه در اروپا (از یک «خانه اروپایی مشترک» به واقع‌گرایی سیاسی، سیاستها در قبال غرب: عوامل سیاسی اصلی و توازن قوای داخلی، استیلای غرب بر سیاست خارجی و امنیتی روسیه).
فصل ۲۴ - روسیه و نهادهای اروپایی (عوامل مهم، روابط نهادینه کننده، ساختارهای اروپایی).

● بخش سیزدهم: نتیجه‌گیری

فصل ۲۵ - ارزیابی روابط متقابل روسیه با اروپا

دکتر سعیده لطفیان